

**An Analysis of the Amount of Diya for the Incision of the Two Sides of Abdomen
Divesting of the title "Ja'efatain" (two sides of abdomens) in the incision of the
abdomen in criminal law**

Taha Zargarian¹

Mahdi Chegeni²

Mohammad Hossein Siyadat³

Received: 12/11/2019

Accepted: 29/06/2020

Abstract

The term "Ja'efeh" (an injury that the instrument such as knife is inserted into inside the body and it is equal to one-third of diya) is used for one of the injuries in criminal jurisprudence. According to Article 711 of the same law, the Islamic Penal Code has defined and stated the rulings of Ja'efeh injury. The last part of the article is as follows: "If the instrument enters from one side and exits from the other, it will be considered as two ja'efeh injuries." As can be seen from the explicit text of the article, whenever the instrument enters the abdomen on one side and gets out of the abdomen from the other side, as if it enters the abdomen and exits the waist, then two diya of ja'efeh will be required. This view of the legislator is based on one of the three views in criminal jurisprudence. The other two views are as follows: Some believe that in the mentioned injury, the diya will be a ja'efeh along with an arsh (compensation for injury) and another group of jurists believes that the aforementioned injury is not ja'efeh but a special injury with a diya of 433 dinars and a third of a dinar. The present paper criticizes and examines the existing arguments based on a descriptive-analytical method and seeks to prove the view that the diya for the injury is 433 dinars and one third of the dinars.

Keywords

Ja'efeh, Diya, Injury, Islamic Penal Code.

1. Researcher at the Center for the Studies of Forensic Medicine. Qom, Iran (Author in charge). tahazargariyan93@gmail.com

2. Assistant Professor of Law, Ayatollah Boroujerdi University. Boroujerd, Iran. mahdi.chegeni@abru.ac.ir

3. Assistant Professor of Law, Ayatollah Boroujerdi University. Boroujerd, Iran. siadat@abru.ac.ir

واکاوی میزان دیه شکافته‌شدن دو طرف جوف (سلب عنوان جائفین از نافذه جوف در قوانین جزایی)

طه زرگریان^۱
مهدی چگنی^۲
محمدحسن سیادت^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۱

چکیده

عنوان «جائفه» برای یکی از جراحات موجود در فقه جزایی وضع شده است. قانونگذار مجازات اسلامی بر اساس ماده ۷۱۱ همان قانون به تعریف و بیان احکام جرافت جائفه پرداخته است. قسمت اخیر ماده مذکور از این قرار است: «... در صورتی که وسیله مزبور از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج گردد، دو جرافت جائفه محسوب می‌شود». همان‌طور که از نص صریح ماده برمی‌آید هرگاه آلت جارحه از یک طرف جوف داخل شود و از طرف دیگر جوف خارج شود مانند اینکه از ناحیه شکم داخل و از ناحیه کمر خارج شود در این هنگام، دو دیه جائفه لازم خواهد بود. این دیدگاه قانونگذار مبتنی بر یکی از سه دیدگاه موجود در فقه جزایی است. دو دیدگاه دیگر به این شرح است که برخی قائل هستند در جرافت مذکور، دیه یک جائفه همراه با ارش ثابت است و گروه دیگری از فقها بر این باور هستند که جرافت مورد نظر، جائفه نیست بلکه یک جرافت خاص است که دیه آن ۴۳۳ دینار و یک سوم دینار است. مقاله حاضر بر اساس روش توصیفی تحلیلی به نقد و بررسی ادله موجود پرداخته و در صدد اثبات دیدگاهی است که دیه جرافت مورد نظر را ۴۳۳ دینار و یک سوم دینار می‌داند.

کلیدواژه‌ها

جائفه، دیه، جرافت، قانون مجازات اسلامی.

۱. پژوهشگر مرکز مطالعات فقه پزشکی قانونی. قم، ایران (نویسنده مسئول) tahazargariyan93@gmail.com
۲. استادیار حقوق دانشگاه آیت الله بروجردی رحمته. بروجرد، ایران. mahdi.chegeni@abru.ac.ir
۳. استادیار حقوق دانشگاه آیت الله بروجردی رحمته. بروجرد، ایران. siadat@abru.ac.ir

■ زرگریان، طه؛ چگنی، مهدی؛ و سیادت محمدحسن. (۱۳۹۹). واکاوی میزان دیه شکافته‌شدن دو طرف جوف (سلب عنوان جائفین از نافذه جوف در قوانین جزایی). فصلنامه فقه، ۲۷ (۱۰۲)، صص ۶۴-۹۲.

Doi: 10.22081/jf.2020.56025.1941



فافه

بیان مسئله

جراحت جائفه از جمله جراحاتی است که در کتاب‌های فقهی بحث و بررسی شده است. قانونگذار مجازات اسلامی به تبع فقه جزایی برای جراحت جائفه قانون وضع کرده و در ماده ۷۱۱ ق.م.ا مقرر کرده است: «ماده ۷۱۱- جائفه جراحی است که با وارد کردن هر نوع وسیله و از هر جهت به درون بدن انسان اعم از شکم، سینه، پشت و پهلو ایجاد می‌شود و موجب یک سوم دیه کامل است. در صورتی که وسیله مزبور از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج گردد، دو جراحت جائفه محسوب می‌شود». ماده مذکور به سه موضوع مهم اشاره دارد. موضوع اول و دوم در مورد تعریف جائفه و میزان دیه آن است. موضوع سوم که اساس مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد، قسمت اخیر ماده مذکور است. قسمت اخیر ماده ۷۱۱ از این قرار است: «در صورتی که وسیله مزبور از یک طرف جوف وارد و از طرف دیگر جوف خارج شود، دو جراحت جائفه محسوب می‌شود». قانونگذار به صراحت تمام ورود و خروج آلت جارحه از دو طرف جوف را دو جائفه می‌داند. مانند آنکه گلوله‌ای از شکم وارد شود و از کمر خارج شود. بر اساس ماده ۷۱۱ ق.م.ا جراحات در مثال‌های مذکور دو جائفه محسوب می‌شود و بالتبع دو دیه جائفه لازم می‌شود. این در حالی است که گروهی از فقهای اسلامی و صاحب‌نظران حقوقی ورود و خروج ابزار جراحت جائفه را مقوم ایجاد دو جرح جائفه ندانسته و جانی را مشمول پرداخت دو دیه جائفه نمی‌دانند. با تتبع در منابع فقه فریقین معلوم می‌شود که درباره موضوع مورد بحث سه دیدگاه جدی وجود دارد. مقاله حاضر در صدد است با واکاوی آرای مختلف به دیدگاه درست برسد و میزان دقیق دیه را معلوم کند.

ضرورت تحقیق

تعیین دقیق میزان دیات در جنایات و جراحات می‌تواند علاوه بر حرکت در طریق شریعت، کمک شایانی به تحقق عدالت قضایی کند. پژوهش حاضر بر پایه مبانی فقهی در صدد تغییر تقدیر دیه شکافته‌شدن دو طرف جوف در قانون است که در فرض اثبات، تفاوت دو دیدگاه قابل توجه خواهد بود.



پیشینه تحقیق

به بحث جراحی جائفه در کتاب‌های فقهی از جمله جواهر الکلام اثر آیت‌الله محمدحسن نجفی پرداخته شده است؛ اما براساس تتبعات نگارندگان، اثری که در قالب مقاله معتبر علمی، موضوع میزان دیه شکافته شدن دو طرف جوف را در نقد و بررسی کند و به نتیجه کاربردی برسد، در میان آثار علمی یافت نشد.

۱. مفهوم‌شناسی

شناخت واژه جائفه در لغت و اصطلاح از ضروریات ابتدایی پژوهش حاضر است.

۱-۱. جائفه در لغت

واژه «الجائفة» از مشتقات کلمه «جوف» است و کلمه جوف برگرفته از سه حرف اصلی جیم، واو و فاء به معنای توخالی است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۹۵). بر اساس تحقیقات انجام شده می‌توان گفت: واژه «جوف» قابل اطلاق بر هر چیزی است که توخالی است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۹۵).

۲-۱. جائفه در اصطلاح فقه

فقه‌های اسلامی جائفه را در یک تعریف کلی جراحی می‌دانند که آلت جارحه به باطن بدن یا به همان جوف بدن نفوذ کند. هر چند فقهای اسلامی در جزئیات خاص این جراحی مانند محل جراحی، آلات موجد جراحی و کیفیت تحقق جراحی اختلاف نظرهای عمیقی دارند، در اینکه آلت جارحه لازم است به جوف بدن برسد، متفق‌اند و تحقق جراحی جائفه را منوط به آن می‌دانند (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۴۱۱).

۳-۱. نافذه در اصلاح فقه

درباره ماهیت جراحی نافذه، دو دیدگاه کلی در میان فقهای امامیه موجود است. یکی



از دیدگاه این است که جراحی نافذ را به مطلق نفوذ آلت جارحه در عضوی از اعضای بدن، تعریف می‌کند و میزان خاصی از این نفوذ را تشریح نمی‌کند (علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۴۵؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۴۵۹). دیدگاه دیگر آن است که نافذ را جراحی می‌داند که آلت جارحه با نفوذ در عضوی از اعضای بدن، موجب شکافته شدن دو طرف عضو شود؛ مانند آنکه آلت جارحه از یک طرف ساعد دست با شکافتن پوست و گوشت نفوذ پیدا کرده و منجر به شکافته شدن گوشت و پوست از سوی دیگر ساعد شود (ابن جنید، ۱۴۱۶ق، ص ۳۶۲؛ فاضل‌هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۴۲۷). با تفحص در تحقیقات فقهی معلوم می‌شود دیدگاه دوم سازگاری بیشتری با موازین فقهی دارد، و صحیح‌تر آن است که گفته شود شرط تحقق جراحی نافذ، شکافته شدن هر دو طرف عضو مجروح است (ر.ک: زرگریان و وطنی، ۱۳۹۶، صص ۳۰-۳۱).

۶۷



فقه

واکاوی میزان دیه شکافته شدن دو طرف جوف

۲. ارزیابی میزان دیه در فرض شکافتن دو طرف جوف

سؤال اصلی پژوهش همان‌طور که اشاره شد کشف صحیح میزان دیه جراحی است که آلت جرح، دو طرف جوف را شکافته باشد؛ اما این مهم حاصل نمی‌شود، مگر آنکه ماهیت دقیق جراحی ایجاد شده معلوم شود.

۳. ماهیت‌شناسی شکافته شدن دو طرف جوف

بر اساس مطالعات صورت گرفته در منابع فقه اسلامی می‌توان سه دیدگاه متفاوت را در مورد ماهیت جراحی مورد بحث، به شرح ذیل مشاهده کرد:

۳-۱. دیدگاه اول دو جائفه بودن جراحی

گروهی از فقهای اسلامی بر این عقیده هستند که ورود و خروج آلت جارحه از دو طرف جوف، دو جائفه حاصل می‌کند (علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۴۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق «الف»، ج ۲، ص ۲۳۲؛ الجوبینی، ۱۴۲۸ق، ج ۱۶، ص ۳۳۸؛ ابن‌قدامه، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۴۷۵).



۲-۳. دیدگاه دوم یک جائفه بودن جراحت

هرگاه آلت جارحه از یک طرف بدن وارد جوف شود و از طرف دیگر بدن خارج شود مانند آنکه نیزه از شکم وارد شده و از کمر خارج شود، در این صورت تنها یک جراحت جائفه رخ داده که دیه آن ثلث دیه کامل است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۲۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۳۴۴). جراحت اضافه بر جائفه که در طرف دیگر بدن یعنی در کمر حاصل شده است، مشمول ارش خواهد بود (الجوبینی، ۱۴۲۸، ج ۱۶، ص ۳۳۹).

۳-۳. دیدگاه سوم خاص بودن جراحت

هرگاه آلت جارحه از یک طرف جوف بدن نفوذ کند و از طرف دیگر جوف خارج شود، دیه آن به میزان ۴۳۳ دینار و یک سوم دینار خواهد بود. تحقیقات صورت گرفته بیانگر آن است که نخستین فقیهی که قائل به این دیدگاه شد^۱ ابن حمزه طوسی است (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸، ص ۴۵۰)؛ اما بعد از ایشان جدی ترین قائل به این دیدگاه را می توان محقق خوینی دانست (خوینی، ۱۴۲۲، ج ۴۲، ص ۴۷۹). بعد از وی بعضی از شاگردان و شارحان کتاب ایشان به همین باور درآمدند (فیاض، بی تا، ج ۳، ص ۴۳۷)، با دقت در این دیدگاه دریافت می شود که ورود و خروج آلت جارحه به جوف بدن یک جراحت خاص با یک دیه خاص در نظر گرفته شده است؛ براین اساس دیگر سخن از یک جائفه یا دو جائفه بی معنا است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز مطالعات و تحقیقات حقوقی
مجمع علوم انسانی

۴-۳. ادله و ارزیابی دیدگاهها

برای جلوگیری از تشویش مطالب بعد از بیان ادله هریک از دیدگاهها بلافاصله ذیل همان دیدگاه به ارزیابی آن ادله پرداخته می شود.

۱. گفتنی است جراحی که صاحب وسیله با واژه «نقب» از آن سخن می گوید، دقیقاً همان جراحت جائفه را مد نظر دارد؛ زیرا علاوه بر اینکه موضع این جراحت، جنبین است و جنبین دارای جوف است، میزان دیه «أربعمائة و ثلاثة و ثلاثون دینارا و ثلث دینار» در روایت ظریف که بعداً خواهد آمد، درباره جائفتین است. همچنین فقهای امامیه همین برداشت را از عبارت صاحب وسیله داشته اند (مجلسی دوم، ۱۴۰۶، ج ۱۶، ص ۶۶۰).

۳-۴-۱. ادله دیدگاه اول (دوجائفه بودن)

فقه‌های اسلامی برای دیدگاه دو جائفه به سه دلیل «روایات»، «عدم اعتبار کیفیت تحقق جائفه» و «اجماع» استناد کرده‌اند که تفصیل آنها از قرار ذیل است:

۳-۴-۲. روایات

قائلان دیدگاه اول به چهار روایت ذیل استناد جسته‌اند:

روایت اول، روایت دعائم الاسلام: در روایت مذکور میزان دیه آلت جارحه‌ای که از طرف دیگر جوف خارج شود، دو سوم دیه کامل تعیین شده است. این حاکی از آن است که ورود و خروج آلت جارحه از دو طرف جوف در روایت مذکور دو جائفه دانسته شده است (مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۳۷).

ارزیابی روایت دعائم الاسلام: هرچند روایت منقول از کتاب دعائم الاسلام تنها روایتی است که با این مضمون در فقه امامیه یافت می‌شود و بالتبع می‌توان به مثابه دلیل مستقل از آن استفاده کرد، اما بزرگان امامیه روایات دعائم الاسلام را به سبب نیامدن سند، مرسله می‌دانند و استناد مستقل به این روایات را صحیح نمی‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۴۸).

روایت دوم، روایت منقول از ابوبکر: ابوبکر درباره مردی که تیر در بدن او نفوذ کرده بود، به دو ثلث دیه کامل حکم کرد. بسیاری از فقهای عامه که قائل به دوجائفه بودن روایت مورد بحث هستند، به روایت مذکور استناد می‌جویند (العینی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۱۹۲). هرچند تا آنجا که از منطوق روایت مذکور برمی‌آید، برداشت دوجائفه بودن و اساساً ربط روایت به موضوع جائفه مشکل است، اما فقهای عامه روایت مذکور را این چنین تفسیر می‌کنند که هرگاه آلت جارحه از طرفی وارد آمد و از طرف دیگر خارج شد، دوجائفه محسوب می‌شود و دو دیه لازم می‌آید (العینی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۱۹۲).

روایت سوم، روایت منقول از ابوبکر: ابوبکر در مورد مردی که آلت جارحه به دو طرف وی وارد آمده بود، بر اساس دوجائفه بودن به دو ثلث دیه کامل حکم کرد





(الطبرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۲۵). روایت مذکور را منابع فقهی عامه به همین معنا نقل کرده‌اند (الزلیعی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۷۶).

روایت چهارم، روایت منقول از عمر: عمر در موردی که آلت جارحه به دو موضع نفوذ کند، به دو دیه جائفه حکم کرد. حکم به دو جائفه بودن در جراحت مذکور مانند این است که آلت جارحه دو بار زده می‌شد و حکم به دو جائفه می‌شود (ابن ضویان، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۵۳).

ارزیابی روایات دوم، سوم و چهارم: با بررسی منابع فقهی عامه معلوم می‌شود که صاحب نظران حدیثی اهل عامه روایت دوم و سوم را که منقول از «سعید بن مسیب» و «مکحول» هستند، مرسل می‌دانند (الزلیعی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۷۵). در مورد سعید بن مسیب آمده است وی اساساً ابوبکر را درک نکرده است که بخواهد از او روایتی نقل کند (الشافعی المصری، ۱۴۲۵ق، ج ۸، ص ۴۹۰. ن). نام عمر و بن‌شعب در سند روایت چهارم به چشم می‌خورد. فقهای عامه در عمل به روایت منقول از «عمر و بن‌شعب» اختلاف دارند و در مورد عمل به آن توقف کرده و بدان عمل نمی‌کنند (البانی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۳۳۱).

۳-۴-۳. تحقق جائفه با نفوذ آلت جارحه خواه از داخل یا خارج جوف

گروهی از فقهای عامه و امامیه بر این باور هستند که هرگاه آلت جارحه از یک طرف جوف وارد شده و از طرف دیگر جوف خارج شود، مانند اینکه از شکم وارد شده و از کمر خارج شود، در این فرض دو جائفه لازم می‌آید؛ زیرا در فرضی که هر کدام از این ضربات مستقل از هم وارد می‌آید و هر ضربه به جوف می‌رسید، قطعاً دو جائفه محسوب می‌شد. بر این اساس اگر آلت جارحه از یک طرف جوف وارد شده و از طرف دیگر جوف خارج شود، مانند این است که آلت جارحه دو بار مستقل از هم به جوف رسیده است (العینی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳، ص ۱۹۲). خواه ضربه واحد باشد یا متعدد فرقی در تحقق جائفتین ندارد؛ زیرا با ورود و خروج آلت جارحه از جوف بدن در واقع دو عضو مختلف بدن (مانند شکم و کمر) مورد هدف قرار گرفته است که هر دو منتهی به جراحت جائفه شده است (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۴۵۲). فقهای که به دلیل مورد بحث

استناد می‌جویند، توجهی به چگونگی رسیدن نوع آلت جارحه به جوف بدن ندارند؛ یعنی خواه آلت جارحه از خارج بدن به جوف بدن برسد یا اینکه آلت جارحه از داخل جوف بدن به خارج نفوذ کند. در هر دو فرض جائفه تحقق یافته است و صدق لغت جائفه بر هر دو صورت صحیح است (طوسی، ۱۴۰۷ق «الف»، ج ۵، ص ۲۳۲). آنچه نزد این فقیهان در تحقق جراحت جائفه معتبر است، مطلق رسیدن آلت جارحه به جوف بدن است (ابن مفلح، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۲۳۵). فقهای عامه بر این باورند که هرگاه آلت جارحه به جوف بدن برسد، جراحت جائفه رخ داده است، حال به هر طریقی که می‌خواهد برسد؛ زیرا صورت فعل مهم نیست، بلکه حصول معنای جائفه مهم است که با ورود آلت جارحه به جوف، این معنا حاصل می‌شود (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۴۷۶). یکی دیگر از دلایلی که فقهای عامه را به کیفیت نفوذ آلت جارحه به جوف بی‌اهمیت می‌کند، توجه نکردن به چگونگی رسیدن آلت جارحه به جوف بدن در روایات منقول از ابوبکر و عمر است (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۴۷۶).

ارزیابی این دلیل: آنچه نزد فقیهان گفته شده در تحقق جراحت جائفه معتبر است، مطلق رسیدن آلت جارحه به جوف بدن است؛ اما گروهی از فقهای اسلامی برخلاف دیدگاه مذکور بر این باورند که چگونگی نفوذ آلت جارحه به محل جوف معتبر است. از نظر این فقیهان لازم است آلت جارحه از خارج جوف به باطن جوف نفوذ کند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۲۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۴۶۴). به سخن دیگر لازم است آلت جارحه از ظاهر به باطن برسد (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۴۷۵). بعضی از فقهای اهل سنت اعتبار کیفیت تحقق جراحت جائفه را دیدگاه برتر در مذهب اهل سنت می‌دانند (عوده، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۳). تحقیقات صورت گرفته حاکی از آن است که دلایل فقهای گروه اول مبنی بر عدم اعتبار کیفیت نفوذ آلت جارحه به جوف قابلیت دفاع ندارد؛ زیرا روایات جائفه سخن از رسیدن و نفوذ به جوف می‌کند نه سخن از برون و خروج جوف. دقت در عین عبارات بعضی از فقهای امامیه و عامه حاکی از آن است که تحقق جائفه منوط به نفوذ آلت جارحه از خارج به داخل جوف است. در عبارات فقها آمده است: «الجائفة هی الجراحة التي تخرق الى الجوف» یا «الجائفة كلما خرق إلى الجوف» (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲،





ص ۴۷۴؛ سبحانی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۷۲. سیاق معنایی که با الفاظ خرق کردن و رسیدن به جوف آمده است، بیانگر شکافتن از خارج جوف به داخل جوف است. براساس مطالب مذکور اگر آلت جارحه از بیرون جوف به درون جوف نفوذ کند، یک جراحت جائفه تحقق یافته است؛ اما اگر همین آلت جارحه که درون جوف است با فشار دیگری به خارج جوف نفوذ کند، جراحت جائفه محقق نشده است؛ زیرا ما کیفیت را معتبر دانستیم.

۳-۴-۱. اجماع: دلیل دیگری که از جمله مستندات فقهای عامه شمرده می‌شود، اجماع است. گروهی از فقهای عامه بر دو جائفه بودن جراحت مورد بحث به دلیل اجماع استناد جسته‌اند (الجزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۳۱۸).

ارزیابی دلیل اجماع: دلیل اجماع از سوی فقهای عامه مطرح شده است؛ اما این اجماع مورد تأیید نیست. اگر از مباحث شرطیت کاشفیت از قول معصوم علیه السلام که از مبانی اصول امامیه است بگذریم، موضوع آن است که اساساً فقهای عامه چنین اتفاق نظری ندارند. گروهی از فقهای عامه به صراحت بر این باورند که اگر آلت جارحه از یک طرف جوف نفوذ کند و از طرف دیگر جوف خارج شود، دو جائفه محسوب نمی‌شود (الجوبنی، ۱۴۲۸ق، ج ۱۶، ص ۳۳۹ و ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۴۷۵).

براساس مطالب گفته شده هیچ‌یک از ادله دو جائفه دانستن جراحت مورد بحث قابل دفاع نیست و به نظر می‌آید این دیدگاه قابلیت استناد ندارد.

۳-۴-۴. ادله دیدگاه دوم (یک جائفه بودن)

فقهای که قائل به دیدگاه دوم‌اند، برای اثبات دیدگاه خود به سه دلیل ذیل استناد می‌جویند:

۳-۴-۱. شرطیت تحقق جائفه به نفوذ آلت جارحه از خارج جوف

گروهی از فقهای اسلامی بر این باورند که چگونگی به وجود آمدن جراحت جائفه معتبر است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۴۶۴). براساس نظر این گروه از فقها لازم است آلت

جارحه از خارج به جوف بدن نفوذ کند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۲۵). به سخن دیگر لازم است آلت جارحه از ظاهر به باطن برسد (عوده، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۳). بر این اساس اگر آلت جارحه از داخل جوف به خارج جوف راه یابد، جائفه محقق نشده است. مطابق با مطالب مذکور وقتی آلت جارحه از شکم به پشت کمر راه یافته است، نفوذ آلت جارحه تا درون شکم جائفه است و نفوذ بیشتر تا خروج از کمر عنوان جرحی دیگری دارد؛ زیرا در این فرض آلت جارحه از داخل جوف به خارج جوف راه یافته است.

۳-۴-۲. اتحاد جنایت در نظر عرف

گروهی از فقهای اسلامی به دلیل «عرف» استناد می‌جویند. این گروه از فقیهان بر این باورند که هرگاه آلت جارحه از طرفی وارد جوف بدن شود و از طرف دیگر خارج شود، در بیان عرف یک جراحت محسوب می‌شود؛ به این بیان که عرف می‌گوید: جراحت جائفه برای مجنی علیه اتفاق افتاد (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۴۶۶).

۳-۴-۳. اصل برائت

اصل بر این است که بر عهده جانی آن چیزی مستقر است که متیقن است و آن یک جراحت جائفه است. جراحت جائفه نیازمند دلیل است که در مسئله مورد بحث، در مورد ادله ثبوت جائفه دوم شک وجود دارد. بر این اساس جانی نسبت به جائفه دوم بری الذمه است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۴۶۴؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۴۶۶).

۳-۴-۴. احترام اموال مردم

شهید ثانی بر این باور است که جراحت مورد بحث یک جائفه است؛ زیرا نسبت به مسبب جائفه دوم شک وجود دارد و با شک نمی‌توان حکم به تسلط فردی بر اموال فرد دیگری داد (جعی‌العالمی، همان)، زیرا مجنی علیه با جائفه دوم به میزان ثلث دیه کامل بر اموال جانی مسلط می‌شود.

از آنجا که نگارندگان با همه ادله بالا موافق هستند و از آنجا که سعی شد ادله بالا به‌طور مفصل و تحلیلی ارائه شود، توضیحی زائد بر مطالب گفته شده ضرورت ندارد.





هر چند نگارندگان، دلایل دیدگاه دوم را قابل قبول می‌دانند، لکن این بدان معنی نیست که دیدگاه ارجح نزد نگارندگان همین است. بعد از بررسی دیدگاه سوم به معرفی دیدگاه ارجح اقدام خواهد شد.

۳-۴-۵. ادله دیدگاه سوم (جراحت خاص)

بر اساس تحقیقات صورت گرفته می‌توان گفت تنها دلیل قائلان به این دیدگاه روایت است. قائلان به دیدگاه مورد بحث به بخشی از روایت طولانی معروف به روایت ظریف استناد می‌کنند.

۳-۴-۱. روایت ظریف

معتبره ظریف از امیرالمؤمنین علیه السلام: در جراحت جائفه یک سوم دیه نفس به میزان ۳۳۳ و سه و یک سوم دینار است و اگر از هر دو طرف با تیر یا نیزه‌ای که در پوست زیرین یا پوست شکم قرار گیرد، سوراخ کند دیه‌اش ۴۳۳ دینار و یک سوم دینار است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۰۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۳۸ و حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۳۰۵؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۸۸).

ارزیابی روایت ظریف: دیدگاه سوم از این قرار بود که ورود و خروج آلت جارحه را از دو طرف جوف یک جراحت خاص معرفی می‌کرد و برای آن دیه‌ای خاص به میزان ۴۳۳ دینار و یک سوم دینار تعیین شد. قائلان به این دیدگاه تنها یک دلیل ارائه کردند و آن استناد به روایتی معروف به روایت ظریف بود. اکنون منطقی‌ترین روش جهت ارزیابی دیدگاه مورد نظر، بررسی روایت معروف به ظریف است؛ اما دقت در بررسی روایت در گرو ارزیابی روایت از حیث سندی و از حیث دلالت است. ظریف بن ناصح امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام را درک کرده و از امام صادق علیه السلام روایات زیادی نقل کرده است. او در بغداد نشو و نما یافته است (ابن داود، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۱۱۳). نجاشی در رجال خود از وی کتب دیات، حدود، نوادر و الجامع فی سائر أبواب الحلال و الحرام را نقل می‌کند (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۰۹). رجالیان امامیه او را بر مذهب

امامیه و در زمره راستگویان و از ثقات دانسته‌اند (حلی، ۱۳۸۱، ص ۹۱). روایت مورد بحث در چهار منبع روایی مهم امامیه اعم از الکافی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۳۸)، وسائل الشیعه (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۳۰۵)، تهذیب الاحکام (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۳۰۴) و من لایحضره الفقیه (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۸۸) نقل شده است. هر چند روایت ظریف در چهار منبع روایی مذکور با ادبیات واحد نقل نشده است و حتی در مواردی میزان دیات برخی جراحات در هر چهار منبع روایی یکسان نیست، اما تحقیقات صورت گرفته حاکی از آن است که روایت مذکور در این چهار منبع دارای طرق صحیحه است.

اما نخستین گام برای بررسی دلالت روایت مورد نظر، شناخت روایات مورد بحث در هر چهار منبع مهم تهذیب الاحکام، من لایحضره الفقیه، الکافی و وسائل الشیعه است.

۷۵



فقه

واکاوی میزان دبه شکافته شدن دو طرف جوف

(الف) روایت ظریف در کتاب الکافی: «وَفِي الْجَائِفَةِ ثُلُثُ دِيَةِ النَّفْسِ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ وَ ثَلَاثُونَ دِينَارًا وَ ثُلُثُ دِينَارٍ فَإِنْ نَفَذْتَ مِنَ الْجَائِبِينَ كِلَيْهِمَا رَمِيَةً أَوْ طَعَنَةً فَدِيَّتُهَا أَرْبَعُمِائَةٍ دِينَارٍ وَ ثَلَاثَةَ وَ ثَلَاثُونَ دِينَارًا - وَ ثُلُثُ دِينَارٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۳۸).

(ب) روایت ظریف در کتاب تهذیب الاحکام: «وَفِي الْجَائِفَةِ ثُلُثُ دِيَةِ النَّفْسِ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ وَ ثَلَاثُونَ دِينَارًا وَ ثُلُثُ دِينَارٍ فَإِنْ نَفَذْتَ مِنَ الْجَائِبِينَ كِلَيْهِمَا رَمِيَةً أَوْ طَعَنَةً وَ قَعْتَ فِي الصَّفَاقِ فَدِيَّتُهَا أَرْبَعُمِائَةٍ دِينَارٍ وَ ثَلَاثَةَ وَ ثَلَاثُونَ دِينَارًا أَوْ ثُلُثُ دِينَارٍ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۳۰۴).

(ج) روایت ظریف در کتاب وسائل الشیعه: «وَفِي الْجَائِفَةِ ثُلُثُ دِيَةِ النَّفْسِ - ثَلَاثَ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ وَ ثَلَاثُونَ دِينَارًا وَ ثُلُثُ دِينَارٍ - وَإِنْ نَفَذْتَ مِنَ الْجَائِبِينَ كِلَيْهِمَا رَمِيَةً أَوْ طَعَنَةً - فَدِيَّتُهَا أَرْبَعُمِائَةٍ دِينَارٍ وَ ثَلَاثَةَ وَ ثَلَاثُونَ دِينَارًا وَ ثُلُثُ دِينَارٍ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۳۰۵).

(د) روایت ظریف در کتاب من لایحضره الفقیه: «وَفِي الْجَائِفَةِ ثُلُثُ دِيَةِ النَّفْسِ ثَلَاثَ مِائَةٍ دِينَارٍ وَ ثَلَاثَةَ وَ ثَلَاثُونَ دِينَارًا وَ ثُلُثُ دِينَارٍ وَ إِنْ نَفَذْتَ مِنَ الْجَائِبِينَ كِلَيْهِمَا رَمِيَةً أَوْ طَعَنَةً وَ قَعْتَ فِي الصَّفَاقِ فَدِيَّتُهَا أَرْبَعُمِائَةٍ دِينَارٍ وَ ثَلَاثَةَ وَ ثَلَاثُونَ دِينَارًا وَ ثُلُثُ دِينَارٍ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۸۸).



روایت ظریف را در هر چهار منبع بالا می‌توان به سه بخش ذیل تقسیم کرد و ارزیابی‌های دقیق را درباره بخش مورد نظر صورت داد.

۱. میزان دیه جائفه: در هر چهار منبع روایی به جراحت جائفه اشاره شده است و بدون هیچ تفاوتی در الفاظ و معنا دیه آن جراحت به میزان یک سوم دیه نفس تعیین شده است.

۲. میزان دیه جراحی که آلت جارحه از دو طرف جوف ورود و خروج کرده است: هر چهار منبع روایی در پایان بخش روایی مورد نظر، به میزان دیه جراحی که آلت جارحه از دو طرف جوف ورود و خروج کرده است، اشاره کرده و به طور مشترک دیه آن را ۴۳۳ دینار و یک سوم دینار تعیین کرده‌اند.

۳. کیفیت ورود و خروج آلت جارحه از دو طرف جوف بدن: سومین بخش مشترک روایت در چهار منبع مورد نظر، بخشی از روایت است که کیفیت ورود و خروج آلت جارحه از دو طرف جوف را توضیح داده است. این قسمت از روایت است که باید درباره آن بحث و بررسی دقیق انجام داد تا معلوم شود آیا این بخش از عبارت می‌تواند دلالت بر ورود و خروج آلت جارحه از دو طرف جوف کند تا دیه آن به میزان ۴۳۳ دینار و یک سوم دینار وضع شود یا خیر.

۴. ارزیابی کیفیت شکافتن دو طرف جوف بر اساس روایت ظریف

بخش مورد نظر در روایت ظریف در هر چهار منبع روایی با الفاظ مشترک نقل نشده است، بلکه برخی الفاظ در برخی منابع با منابع دیگر متفاوت‌اند؛ از این رو قسمت مورد نظر روایت از هر چهار منبع روایی استخراج و برای بحث و بررسی به شرح ذیل تحریر می‌شود.

بخش مورد نظر روایت در کتاب الکافی: فَإِنْ نَقَدَتْ مِنَ الْجَانِبَيْنِ كِلَيْهِمَا رَمِيَةٌ أَوْ طَعْنَةٌ.

بخش مورد نظر روایت در کتاب وسائل الشیعه: وَإِنْ نَقَدَتْ مِنَ الْجَانِبَيْنِ كِلَيْهِمَا رَمِيَةٌ أَوْ طَعْنَةٌ.

بخش مورد نظر روایت در کتاب تهذیب الاحکام: فَإِنْ نُقِبَ مِنَ الْجَانِبَيْنِ كِلَيْهِمَا بِرْمِيَةٍ أَوْ طَعْنَةٍ وَقَعَتْ فِي الصَّفَاقِ.

بخش مورد نظر روایت در کتاب من لايحضره الفقيه: وَإِنْ نُقِبَ مِنَ الْجَانِبَيْنِ كِلَيْهِمَا بِرْمِيَةٍ أَوْ طَعْنَةٍ وَقَعَتْ فِي الشُّفَاقِ. برای بررسی دقیق تفاوت‌ها و شباهت‌های عبارات بالا، عبارت مورد نظر را به سه بخش تقسیم می‌کنیم و به ارزیابی آنها می‌پردازیم.

بخش اول: وَإِنْ نَفَذْتَ يَا وَ إِنْ نُقِبَ	بخش دوم: مِنَ الْجَانِبَيْنِ كِلَيْهِمَا بِرْمِيَةٍ أَوْ طَعْنَةٍ	بخش سوم: وَقَعَتْ فِي الصَّفَاقِ يَا وَقَعَتْ فِي الشُّفَاقِ
--	--	---

۴-۱. ارزیابی بخش اول روایت ظریف (وَإِنْ نَفَذْتَ يَا وَ إِنْ نُقِبَ)

آغاز بخش اول روایت از حرف «فَإِنْ» تا واژه «طَعْنَةٌ» است. شایسته است بخش مورد نظر برای دقیق‌تر دیده شدن تشابه‌ها و تفاوت‌های چهار منبع روایی به جدول ذیل درآیند.

الكافي: فَإِنْ نَفَذْتَ مِنَ الْجَانِبَيْنِ كِلَيْهِمَا رْمِيَةً أَوْ طَعْنَةً.	تهذیب الاحکام: فَإِنْ نُقِبَ مِنَ الْجَانِبَيْنِ كِلَيْهِمَا بِرْمِيَةٍ أَوْ طَعْنَةٍ.
وسائل الشیعه: وَإِنْ نَفَذْتَ مِنَ الْجَانِبَيْنِ كِلَيْهِمَا رْمِيَةً أَوْ طَعْنَةً.	من لايحضره الفقيه: وَإِنْ نُقِبَ مِنَ الْجَانِبَيْنِ كِلَيْهِمَا بِرْمِيَةٍ أَوْ طَعْنَةٍ.

همان‌طور که در جدول بالا قابل مشاهده است، تنها واژه متفاوت در بخش اول روایت واژه بعد از حرف «فَإِنْ» است. بعد از حرف «فَإِنْ» در دو منبع روایی الکافی و وسائل الشیعه واژه «نَفَذْتَ» آمده است؛ در حالی که بعد از حرف «فَإِنْ» در دو منبع روایی تهذیب الاحکام و من لايحضره الفقيه واژه «نُقِبَ» آمده است.

اکنون نخستین سؤال پیش‌رو آن است که تفاوت دو واژه «نَفَذْتَ» و «نُقِبَ» چیست. بعد از کشف پاسخ می‌توان مقصود بخش اول روایت را دریافت.





۴-۱-۱. مفهوم‌شناسی واژه «نَفَذْتُ»

نافذ از مشتقات ماده نَفَذَ (الشیءُ)، نَفَذًا، يَنْفُذُ، تُفُوذًا، نَفَاذًا - با مصادر مختلف و اضافه شدن به مفاهیم متفاوت، حاکی از معانی نزدیک به هم است. نَفَذَ در اضافه شدن به فیه و مِنْه به معنای «در آن داخل و از طرف دیگر آن خارج شد» است (انیس، ۱۳۸۹، ص ۲۰۰۴). معنای مذکور در اضافه شدن لغت نَفَذَ به مِنْه در قرآن کریم قابل مشاهده است (طریحی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ص ۱۹۱): «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَعْظَمْتُمْ أَنْتَفِقُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ: ای گروه جنیان و انسیان اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمان‌ها و زمین به بیرون رخنه کنید؛ پس رخنه کنید (ولی) جز با (به‌دست آوردن) تسلطی رخنه نمی‌کنید» (الرحمن: ۳۳). همچنین در اضافه شدن لغت نَفَذَ به عَنْه، معنای «از آن گذشت و رد شد» ذکر شده است (انیس، ۱۳۸۹، ص ۲۰۰۴). نَفَذَ در اضافه شدن به الْقَوْمَ حاکی از معنای «از آن قوم گذر کرد و آنان را پشت سر خود بر جای گذاشت» است (انیس، ۱۳۸۹، ص ۲۰۰۴). «نَفَذَ السَّهْمَ الرَّمِيَّةَ» به معنای «خالط جوفها ثم خرج طرفه من الشق الآخر؛ ورود و خروج تیر و گذر تیر از آن است» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵۱۴ و واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۴۰۴). در معنای اضافه شدن دو لغت «النافذة» و «طعنة» به یکدیگر آمده است: «نیزه که دو عضو را به هم بدوزد و در اندام‌ها نفوذ کند یا از یک سو برود و از سوی دیگر به در آید». همچنین در معنای لغت «النافذة» به «روزنه و پنجره» اشاره شده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵۱۵).

۴-۱-۲. مفهوم‌شناسی واژه «نُقِبَ»

الناقبة از ماده نَقَب (نَقَبه، يَنْقُبُه، نَقَبًا) است. هرچند واژه «نَقَبَ» در معانی ای همانند «به‌سفر پرداختن» یا «کاوش کردن» به کار رفته است، لکن سوراخ کردن، معنی مشهور و پرکاربرد واژه «النَّقْبُ» است (واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۴۳). واژه نَقَبَ به معنای سوراخ کردن از عباراتی است که در مصادیق مختلف به کار رفته است؛ مانند آنجا که گفته می‌شود: «ناقبه دملی چرکین است که در پهلوی انسان سر باز می‌کند و سر آن داخل بدن است» همچنین گفته می‌شود: سوراخ کردن پوست یا دیوار یا مانند اینها (انیس، ۱۳۸۹، ص ۲۰۱۳).

اهل لغت در معنای «المشکاة» می نویسند: «هی الکوّة» (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۳۵۱۹) و در معنای «الکوّة» می نگارند: «الکوّة: نَقْبًا لیبِت؛ سوراخی در دیوار» (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۴۷۸) یا «سوراخی که نفوذکننده نیست» (حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۷، ص ۶۹) یا گفته شده است: «الکوّة: سوراخ غیر نفوذکننده‌ای است که محل قرار گرفتن چراغ است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۵۸). از تلاش لغویان در ذکر معنای «الکوّة» به خوبی واضح می شود که لغت «نقب» چیزی غیر از لغت «نفذ» است و به تبع آن لغت «ناقبه» بیانگر معنایی مستقل از لغت «نافذه» است. مطابق با معانی مذکور می توان گفت معنای مشهور و پرکاربرد «نقب» و «ناقبه» همان سوراخ غیر نافذ است؛ سوراخی که از یک طرف وارد می شود، اما از طرف دیگر خارج نمی شود.

براساس مطالبی که گذشت معلوم می شود معنای مشترک واژه «نفذ» و «نقب» سوراخ کردن است؛ البته نباید فراموش کرد که دو واژه مورد نظر تفاوت‌های ظریفی دارند که هرگاه شارع از آن دو واژه اراده معنای اصطلاحی کند، قطعاً عنایت به همان تفاوت‌های ظریف داشته است؛ اما مواردی هست که شارع از یک واژه اراده لغوی می کند؛ هر چند آن واژه در یک معنای خاص مصطلح شده باشد. در هر صورت نقطه اشتراک دو واژه «نفذ» و «نقب» از حیث لغوی معنای «سوراخ کردن» است.

۴-۲. ارزیابی بخش دوم روایت ظریف (مِنَ الْجَانِبَيْنِ كَلِيهِمَا بِرْمِيَةٍ أَوْ طَعْنَةٍ)

درباره مفهوم این عبارت دو فرضیه ذیل متصور است:

فرضیه اول: مفهوم عبارت آن است که تیر یا شمشیر از یک طرف پهلو وارد شده است و از طرف دیگر پهلو خارج شده است: «مِنَ الْجَانِبَيْنِ كَلِيهِمَا بِرْمِيَةٍ أَوْ طَعْنَةٍ».

فرضیه دوم: مفهوم عبارت آن است که جانی با آلت تیر یا شمشیری که در دو دست خود دارد، به هر پهلو یک ضربه وارد کند؛ مانند آنکه نخست با دست راست، شمشیر را به پهلو راست وارد کند و بعد از آن یا به طور هم‌زمان با دست چپ، شمشیر دیگری را وارد پهلو چپ کند: «مِنَ الْجَانِبَيْنِ كَلِيهِمَا بِرْمِيَةٍ أَوْ طَعْنَةٍ».

هر چند اگر عبارت «مِنَ الْجَانِبَيْنِ كَلِيهِمَا بِرْمِيَةٍ أَوْ طَعْنَةٍ» فارق از قرائن ذیل و مباحث





فقها در نظر گرفته شود، قابلیت آن را دارد که هر دو معنای فوق را پوشش دهد، اما قرائن ذیل مانع از پذیرش مفهوم دوم می‌شود.

به تحقیق می‌توان گفت که هیچ‌یک از فقهای که در این باره به بحث و بررسی پرداخته‌اند، معنا و مفهوم دوم را مورد توجه قرار نداده‌اند. همه فقهای که به این بخش از عبارت روایی ظریف توجه کرده‌اند، آن را ذیل بحث یک جائفه یا دو جائفه طرح کرده‌اند و عبارت مورد نظر را این گونه معنا کرده‌اند که «اگر آلت جارحه از یک طرف جوف وارد شود و از طرف دیگر جوف خارج شود» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۱۴۶ و حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۶۹۴).

اگر گفته شود مفهوم عبارت مورد بحث آن است که شمشیر یک بار از پهلوئی راست وارد شود و یک بار از پهلوئی چپ وارد شود، در این فرض دیه این جراحت واضح است که دیه هر جراحت یک سوم دیه کامل است؛ زیرا هر ضربه شمشیر به پهلو موجب شده است که شمشیر از ظاهر جوف به باطن جوف نفوذ کند و هر کدام یک جائفه ایجاد کند، بر این اساس چرا در روایت میزان دیه این جراحت ۴۳۳ دینار تعیین شده است؟ از دو حالت خارج نیست: یا گفته شود که عدد ۴۳۳ دینار در روایت اشتباه املائی است و باید به قاعده دو جائفه می‌آمده است یا گفته شود که عدد ۴۳۳ دینار صحیح است و باید مفهوم دقیق عبارت روایی را یافت که چه جراحتی مورد نظر روایت است. فرض اشتباه املائی در این باره متصور نیست؛ زیرا اولاً دیه جراحت مورد نظر روایت در هر چهار منبع روایی به میزان ۴۳۳ دینار نقل شده است؛ ثانیاً معمولاً اشتباه املائی در جاهایی است که قرائن قوی بر مفهوم دوم وجود داشته باشد و همچنین شباهت‌های املائی در حروف میان دو مفهوم موجود باشد؛ در حالی که هیچ قرینه یا شباهتی در بحث حاضر موجود نیست.

بر اساس مطالب بالا می‌توان گفت مقصود بخش دوم روایت مورد نظر آن است که آلت جارحه از یک سوی جوف وارد شده است و از سوی دیگر جوف خارج شده است: «مِنَ الْجَانِبَيْنِ كَلِيهَمَا بِرْمِيَةٍ أَوْ طَعْنَةٍ».

۳-۴. ارزیابی بخش سوم روایت ظریف (وَقَعَتْ فِي الصَّفَاقِ يَا وَقَعَتْ فِي الشُّقَاقِ)

آغاز بخش دوم روایت از واژه «طَعْنَةٌ» تا انتهای روایت است؛ لکن روایت مورد نظر در دو منبع روایی الکافی و وسائل الشیعه تا انتهای همان بخش اول است که بحث آن گذشت و ادامه ندارد؛ اما روایت مورد نظر در دو منبع تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه ادامه‌ای دارد که جهت مقایسه و بررسی آنها در جدول ذیل تقسیم می‌شوند.

من لایحضره الفقیه: وَ إِنْ نُقِبَ مِنَ الْجَانِبَيْنِ كَلِيهِمَا بِرَمِيَةٍ أَوْ طَعْنَةٍ وَقَعَتْ فِي الشُّقَاقِ.	تهذیب الاحکام: فَإِنْ نُقِبَ مِنَ الْجَانِبَيْنِ كَلِيهِمَا بِرَمِيَةٍ أَوْ طَعْنَةٍ وَقَعَتْ فِي الصَّفَاقِ.
--	---

همان‌طور که در جدول بالا قابل مشاهده است تنها واژه متفاوت در بخش دوم روایت میان منابع روایی تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه آخرین واژه روایت است. در منبع روایی تهذیب الاحکام آخرین واژه روایی کلمه «الصَّفَاقِ» است؛ در حالی که بخش روایی مورد نظر در منبع من لایحضره الفقیه با واژه «الشُّقَاقِ» به پایان رسیده است.

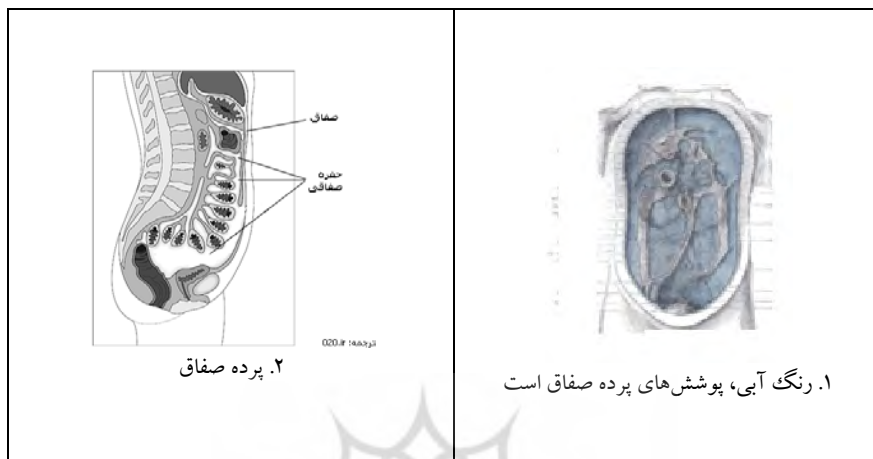
اکنون سؤال پیش‌رو آن است که تفاوت دو واژه «الصَّفَاقِ» و «الشُّقَاقِ» چیست. بعد از کشف پاسخ می‌توان مقصود بخش دوم روایت را دریافت و از این طریق مقصود شارع را از کل روایت دریافت کرد.

۳-۴-۱. مفهوم‌شناسی واژه «الصَّفَاقِ»

واژه «الصَّفَاقِ» اسم است و جمع آن «صَفَقِ» است. واژه «صَفَاقِ» در منابع لغوی به پوست زیر پوست اصلی یا همان پوست دور امعاء و احشاء ترجمه شده است (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۲۰۲). در کتاب القاموس الطبی العربی در ترجمه «الصَّفَاقِ» آمده است: صَفَاقِ پرده‌ای غضروفی شکل است که تمام حفره‌های شکمی را مسدود کرده و منطقه شکمی را پوشش می‌دهد (البلدی، ۱۴۲۵ق، ص ۶۷۳). با جستجو در کتاب‌های آناتومی بالینی معلوم می‌شود که پرده صَفَاقِ همان پرده پریتونئوم (Peritoneum) است. در کتاب‌های پزشکی آمده است صَفَاقِ یک غشای سروزی نازک است که جداره‌های حفره‌های شکم و



لگن را آستر می‌کند و احشای آنها را می‌پوشاند. صفاق را می‌توان به شکل بادکنک تصور کرد که ارگان‌ها از بیرون بر روی آن فشرده شده‌اند (اسنل، ۱۳۹۵، ص ۲۱۴).



۲-۳-۴. مفهوم‌شناسی واژه «الشَّقَاق»

درباره مفهوم واژه «الشَّقَاق» در میان صاحب‌نظران فقه امامیه اختلاف است. بعضی از فقها بر این باورند که اساساً این واژه در این عبارت روایی نامتناسب است و معنایی که همسو با مفاد روایت باشد در آن وجود ندارد (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴۸۱). این گروه از فقها اضافه می‌کنند شاید منظور از واژه «الشَّقَاق» در متن روایی مورد نظر اصابت تیر یا نیزه به فرد در حال جنگ و نزاع باشد که البته این هم نسبت به حکم مورد نظر - میزان دیه - خصوصیتی ندارد؛ یعنی فرقی ندارد که نیزه در حال نزاع و جنگ به فرد بخورد یا در غیر جنگ و نزاع مگر اینکه این تقیید حمل بر اغلب شود (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، ص ۶۶۱). با تتبع در منابع لغوی می‌توان معانی متعددی را برای واژگان «الشَّق» و «الشَّقَاق» یافت. «الشَّق» در کتاب‌های لغت به بخشی از یک چیز یا پهلو و کنار آن چیز ترجمه شده است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۵۰۲) و برای واژه «الشَّقَاق» معانی متعددی مانند مشقت، رنج، تَرَک، شکاف، پارگی، سوراخ ذکر شده است (انیس، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴۴). ابن‌منظور لغت‌شناس مشهور، واژه «الشَّقَاق» را از ریشه «الشَّق» می‌داند. وی واژه «الشَّقَاق» را به



ترک شدن پوست در اثر بیماری یا در اثر سرما معنا می‌کند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۱۸۱). اللبدی صاحب کتاب قاموس الطبی العربی واژه «الشقاق» را به معنای تکه‌تکه شدن پوست می‌داند (البدی، ۱۴۲۵ق: ص ۶۵۱). براساس معنای ای که صاحبان لسان العرب و قاموس الطبی برای واژه قائل می‌شوند، شاید بتوان گفت منظور از واژه «الشقاق» در روایت من لایحضره الفقیه همان واژه «الصفاق» در روایت تهذیب الاحکام است و هر دو به معنای پرده پریتونئوم هستند؛ زیرا دور از ذهن نیست که این پرده پریتونئوم به جهت برجستگی‌های کوچک و ریزی که دارد به تکه‌تکه شدن پوست شبیه شده و با واژه «الشقاق» در روایت به تصویر درآمده است. اگر هم این فرضیه از ذهن دور باشد، می‌توان به قول فیض کاشانی استناد جست که ایشان بر این باور است که شاید در املائی واژه «الشقاق» سهوی صورت گرفته است و کاتب به جای اینکه بنویسد «الصَّفَاق» نوشته است: «الشقاق» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، ص ۷۹۷).

براساس مفهوم‌شناسی ای که از واژگان «الصَّفَاق» و «الشَّقَاق» گذشت، می‌توان بخش روایی مورد نظر را به‌طور مشترک در منابع تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه به شرح ذیل ترجمه کرد:

«وَإِنْ نُقِبَ مِنَ الْجَانِبَيْنِ كِلَيْهِمَا بِرَفِيَةٍ أَوْ طَعْنَةٍ وَفَعَتَ فِي الصَّفَاقِ أَوْ الشَّقَاقِ؛ «اگر تیر یا نیزه دو طرف پهلو را سوراخ کند و پرده پریتونئوم را شکافته و درون آن واقع شود». نتیجه ترجمه مذکور آن است که آلت جارحه وارد جوف بدن شده است؛ زیرا همان‌طور که در گفتار نخست گفته شد: «همین که آلت جارحه پرده پریتونئوم شکم را شکافت و وارد جوف شکم شد، جراحت جائفه تحقق یافته است». اکنون که ارزیابی‌های سه بخش مورد نظر انجام شد، می‌توان در ارائه مفهوم دقیق روایت مورد نظر به شرح ذیل اقدام کرد:

اگر تیر یا نیزه از یک طرف جوف پرده پریتونئوم را بشکافتد و وارد جوف شود و با فشار بیشتر از طرف دیگر جوف خارج شود، میزان دیه‌ی این جراحت ۴۳۳ دینار و یک‌سوم دینار خواهد بود.



نتیجه گیری

در مورد اینکه اگر آلت جارحه از یک طرف جوف وارد شود و از طرف دیگر جوف خارج شود، سه دیدگاه طرح شد. گروهی جراحی مذکور را یک جائفه دانستند و برای مقدار جراحی زائد بر جائفه ارش تعیین کردند. گروه دوم جراحی مذکور را دو جائفه دانستند و گروه سوم جراحی مذکور را نه یک جائفه و نه دو جائفه دانستند، بلکه آن را یک جراحی خاص با دیه ۴۳۳ دینار دانستند. ارزیابی‌های هر سه دیدگاه انجام شد. نگارندگان تلاش کردند با نقد و بررسی ادله، دیدگاه دو جائفه دانستن جراحی مورد نظر را مردود اعلام کند.

نگارندگان آن‌چنان که گفته شد ادله دیدگاه یک جائفه به اضافه ارش را مردود نمی‌دانند؛ اما ادله دیدگاه سوم را قوی‌تر می‌دانند؛ همان دیدگاهی که جراحی مورد بحث را یک جراحی خاص معرفی می‌کند و برای آن دیه ۴۳۳ دینار و یک سوم دینار قائل است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین دلایل‌هایی که دیدگاه سوم دارد و دیدگاه یک جائفه به اضافه ارش ندارد؛ استناد به روایت ظریف است که برای آن هیچ معارضی (تبریزی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۹۱) نیست. بر این اساس پیشنهاد می‌شود قانونگذار در مورد اصلاح قسمت اخیر ماده ۷۱۱ بدین شرح اقدام نماید: «... در صورتی که وسیله مزبور از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج گردد، دیه به میزان ۴۳۳ دینار و یک سوم دینار محاسبه خواهد شد».



فهرست منابع

۱. ابن براج، عبدالعزيز. (۱۴۰۶ق). المهدب (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن حمزة، الطوسی. (۱۴۰۸ق). الوسيلة (چاپ اول). قم: مطبعة الخيام - مكتبة آيت الله العظمى المرعشي النجفي رحمته الله.
۳. ابن داوود، تقی الدين الحسن بن علی بن داود الحلبي. (۱۳۸۳). رجال ابن داود. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. ابن فارس، ابوالحسن احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقائيس اللغة (چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵. ابن قدامة المقدسي، أبو محمد موفق الدين عبدالله بن احمد. (۱۳۸۸). المغنى. بی جا: مكتبة القاهرة.
۶. ابن مفلح، ابراهيم بن محمد بن عبدالله. (۱۴۱۸ق). المبدع في شرح المقنع (چاپ اول). لبنان: دارالكتب العلمية.
۷. ابنصويان، ابراهيم بن محمد. (۱۴۰۹ق). منار السبيل في شرح الدليل (چاپ هفتم). بی جا: المكتب الإسلامي.
۸. أبو القاسم الطبراني، سليمان بن احمد. (۱۴۰۵ق). مسند الشاميين (چاپ اول). بيروت: مؤسسة الرسالة، بيروت.
۹. ابوالمعالي الجويني، عبد الملك بن عبدالله. (۱۴۲۸ق). نهاية المطلب في دراية المذهب (چاپ اول). [بی جا]: دارالمنهاج.
۱۰. اردبيلي، احمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. اسكافي (ابن جنيد)، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ق). مجموعة فتاوى ابن جنيد (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. اصفهانی (فاضل هندی)، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. اصفهانی (مجلسی دوم)، محمدباقر بن محمد تقی. (۱۴۰۶ق). ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار (چاپ اول). قم: انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي رحمته الله.





۱۴. الالبانی، محمد ناصرالدین. (۱۴۰۵ق). إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل (چاپ دوم). بیروت: المكتب الإسلامی.
۱۵. انیس، ابراهیم. (۱۳۸۹). معجم الوسیط (چاپ سوم). تهران: انتشارات اسلامی.
۱۶. بدرالدین العینی، ابو محمد محمود بن احمد بن موسی. (۱۴۲۰ق). البناية شرح الهدایة (چاپ اول). لبنان: دارالکتب العلمیة.
۱۷. البلدی، عبدالعزیز. (۱۴۲۵ق). القاموس الطبی العزى (چاپ اول). الاردن: دارالبشیر.
۱۸. تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۸ق). تنقیح مبانی الأحکام - کتاب الدیات (چاپ اول). قم: دار الصدیقة الشهیدة سلام الله علیها.
۱۹. جزیری، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ق). الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت علیهم السلام (چاپ اول). لبنان: دار الثقلمین.
۲۰. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة (چاپ اول). لبنان: دارالعلم للملایین.
۲۱. الحر العاملی (شیخ حر عاملی)، محمد بن الحسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۲. حلّی، (علامه)، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعة (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. حمیری، نشوان بن سعید الحمیری. (۱۴۲۰ق). شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم (چاپ اول). لبنان: دارالفکر المعاصر.
۲۴. خویی، سیدابوالقاسم موسوی. (۱۴۲۲ق). مبانی تکملة المنهاج (چاپ اول). قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۲۵. الرویفعی الإفريقي (ابن منظور)، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دارصادر.
۲۶. ریچارداس، اسنل. (۱۳۹۵). آناتومی بالینی (ترجمه: شیرازی و اسفندیاری). تهران: انتشارات اندیشه رفیع.
۲۷. الزبیدی (واسطی)، سیدمحمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس (چاپ اول). لبنان: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲۸. زرگریان، طه؛ و وطنی، امیر. (۱۳۹۶). تبیین ماهیت جراحت نافذه در فقه جزایی امامیه، فصلنامه فقه پزشکی، ۹ (۳۰-۳۱)، صص ۳۳-۴۵.

٢٩. الزيلعي، جمال الدين ابو محمد عبدالله بن يوسف. (١٤١٨ق). نصب الراية (چاپ اول). لبنان: مؤسسة الريان للطباعة و النشر.
٣٠. السبحاني، جعفر. (١٣٩٢). أحكام الديات في الشريعة الإسلامية الغراء. قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام.
٣١. شافعي المصري (ابن ملقن)، عمر بن علي. (١٤٢٥ق). البدر المنير (چاپ اول). الرياض: دار الهجرة للنشر و التوزيع.
٣٢. صدوق (شيخ صدوق)، ابو جعفر محمد بن علي بن بابويه. (١٤١٣ق). من لا يحضره الفقيه (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٣٣. طريحي، فخرالدين. (١٤١٦ق). مجمع البحرين (چاپ سوم). تهران: كتاب فروشي مرتضوى.
٣٤. طوسى (شيخ طوسى)، ابو جعفر محمد بن حسن. (١٣٨٧). المبسوط فى فقه الإمامية (چاپ سوم). تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
٣٥. طوسى (شيخ طوسى)، ابو جعفر محمد بن حسن. (١٤٠٧ق). تهذيب الأحكام (چاپ چهارم). تهران: دارالكتب الإسلامية.
٣٦. طوسى (شيخ طوسى)، ابو جعفر محمد بن حسن. (١٤٠٧ق «الف»). الخلاف. قم: مؤسسة النشر الاسلامي
٣٧. عاملى جبعى (شهيد ثاني)، شيخ زين الدين بن علي. (١٤١٣ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام (چاپ اول). قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
٣٨. عاملى، سيد جواد بن محمد حسيني. (١٤١٩ق). مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط - الحديثة) (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٣٩. علامه حلى، الحسن بن يوسف. (١٣٨١). رجال العلامة (خلاصة الأقوال) (چاپ دوم). نجف: منشورات المطبعة الحيدرية.
٤٠. علامه حلى، الحسن بن يوسف. (١٤١٠ق). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٤١. عودة، عبدالقادر. (بى تا). التشريع الجنائي الإسلامى مقارن بالقانون الوضعى. بيروت: دارالكاتب العربى.
٤٢. فيض كاشانى، محمد محسن. (١٤٠٦ق). الوافى. اصفهان: كتابخانه امام اميرالمؤمنين علي عليه السلام.



فقه

۴۳. کابلی، محمد اسحاق فیاض. (بی تا). منهاج الصالحین. بی جا: بی نا.
۴۴. الکلینی الرازی (شیخ کلینی)، ابو جعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). کافی (چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الإسلامية.
۴۵. مجلسی (مجلسی دوم)، محمد باقر. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۴۶. مغربی، نعمان بن محمد تمیمی. (۱۳۸۵). دعائم الإسلام (چاپ دوم). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۷. نجاشی، ابی العباس احمد بن علی. (۱۴۰۷ق). رجال النجاشی (فهرست أسماء مصنفی الشيعة). قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۴۸. نجفی (صاحب جواهر)، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (چاپ هفتم). لبنان: دار احیاء التراث العربی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فصلنامه

References

1. Abu al-Ma'ali al-Juwini, A. (1428 AH). *Nihaya al-Matlab fi Diraya al-Madhab* (1st ed.). n.p.: Dar Al-Minhaj. [In Arabic].
2. Abu al-Qasim al-Tabarani, S. (1405 AH). *Musnad al-Shamin* (1st ed.). Beirut: al-Risalah Foundation. [In Arabic].
3. Allamah al-Hilli. (1381 AP). *Rijal al-Allama* (2nd ed.). Najaf: al-Haydari Press. [In Arabic].
4. Allamah al-Hilli. (1410 AH). *Irshad al-Azhan ila Ahkam al-Iman*. Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic].
5. Allamah al-Hilli. (1413 AH). *Mokhtalif al-Shi'a* (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic].
6. Amili, S. J. (1419 AH). *Miftah al-Karama fi Sharh al-Qawaid al-Allama* (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic].
7. Anis, I. (1389 AP). *Mu'jam al-Wasit* (3rd ed.). Tehran: Islamic Publications. [In Arabic].
8. Ardabili, A. (1403 AH). *Majma al-faida wal-burhan fi sharh irshad al-adhan* (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic].
9. al-Albani, M. (1405 AH). *Irwa al-Ghailil* (2nd ed.). Beirut: Islamic School. [In Arabic].
10. al-Baladi, A. (1425 AH). *al-Qamus al-Tabi al-Azi* (1st ed.). Jordan: Dar al-Bashir. [In Arabic].
11. al-Hurr al-amili. (1409 AH). *Wasa'il al-Shi'a* (1st ed.). Qom: Aal al-Bayt Institute. [In Arabic].
12. al-Husayni al-Zabidi, S. M. M. (1414 AH). *Taj al-Arus Min Jawahir al-Qamus* (1st ed.). Lebanon: Dar al-Fikr. [In Arabic].
13. al-Kulayni. (1407 AH). *Usul al-Kafi* (4th ed.). Tehran: Islamic Library. [In Arabic].
14. al-Shahid al-Thani. (1413 AH). *Masalik al-Iffham ila Tanqih Shari' al-Islam* (1st ed.). Qom: Islamic Knowledge Foundation. [In Arabic].



15. al-Shaykh al-Saduq. (1413 AH). *Man La Yahduruhu al-Faqih* (2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic].
16. al-Zila'ei, J. (1418 AH). *Nasb al-Rayah* (1st ed.). Lebanon: al-Riyadh Foundation. [In Arabic].
17. Badra al-Din al-Ayni, A. (1420 AH). *al-Binayah fi Sharh al-Hidayah* (1st ed.). Lebanon: Dar al-Kitab al-Alamiya. [In Arabic].
18. Fayz Kashani, M. (1406 AH). *al-Wafi*. Isfahan: Library of Imam Amir al-Mo'menin Ali (PBUH). [In Arabic].
19. Fazel Hindi, M. (1416 AH). *Kashf al-Latham* (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic].
20. Humairi, N. (1420 AH) . *Shams al-Ulum wa Dawa Kalam al-Arab min al-Kulum* (1st ed.). Lebanon: Contemporary Dar al-Fikr. [In Arabic].
21. Ibn Baraj, A. (1406 AH). *al-Mohadhab* (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic].
22. Ibn Davoud, T. (1383 AP). *Rijal Ibn Davoud*. Tehran: University of Tehran Press. [In Arabic].
23. Ibn Faris, A. (1404 AH). *Mu'jam maqayis al-lughah* (1st ed.). Qom: Qom Seminary Islamic Propaganda Office Publications. [In Arabic].
24. Ibn Junaid, M. (1416 AH). *Collection of Fatwas of Ibn Junaid* (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic].
25. Ibn Manzur. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (3rd ed.). Beirut: Dar al-Fikr - Dar Sadr. [In Arabic].
26. Ibn Muflah, I. (1418 AH). *al-Mubdie fi Sharah al-Muqana'* (1st ed.). Lebanon: Dar al-Kitab al-Alamiya. [In Arabic].
27. Ibn Qudamah al-Maqdisi, A. (1388 AP). *al-Mughni*. n.p.: Cairo School. [In Arabic].
28. Ibn Zawyan, I. (1409 AH). *Manar al-Sabil Fi Sharh al-Dalil* (7th ed) n.p.: Islamic School. [In Arabic].



29. Jaziri, A R. (1419 AH). *al-Fiqh Ala al-Mazahib al-Arba'a wa Mazhab Ahl al-Bayt* (1st ed.). Lebanon: Dar al-Thaqalin. [In Arabic].
30. Johari, I. (1410 AH). *Taj al-Lughah wa Sihah al-'Arabiyah* (1st ed.). Beirut: Dar Al-Elm Lil Mala'ain. [In Arabic].
31. Kabuli, M. (n.d.). *Minhaj al-Salehin*. n.p. [In Arabic].
32. Khoei, S. A. (1422 AH). *Mabani Takmela Al-Minhaj* (1st ed.). Qom: Founding the Works of Imam Al-Khoei. [In Arabic].
33. Maghribi, N. (1385 AP). *Da'aim al-Islam* (2nd ed.). Qom: Aal al-Bayt Institute. [In Arabic].
34. Majlisi, M. B. (1404 AH). *Mir'at al 'Uqul Fi Sharh Akhbar Aal al-Rasul*. Tehran: Islamic Library.
35. Majlisi, M. B. (1406 AH). *Malaz Al-Akhyar fi Fahm Tahzib Al-Akhbar* (1st ed.). Qom: Ayatollah Marashi Najafi (Ra) Library Publications. [In Arabic].
36. Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam* (7th ed.) Lebanon: House of Arab Heritage Revival. [In Arabic].
37. Najashi, A. (1407 AH). *Rijal al-Najashi* (list of names of Shiite authors). Qom: Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic].
38. Owda, A. (n.d.). *Islamic criminal legislation comparable to the legal situation*. Beirut: Dar al-Katib al-Arabi. [In Arabic].
39. Shafi'i al-Masri (Ibn Mulqan), U. (1425 AH). *al-Badr al-Munir* (1st ed.). Riyadh: Dar Al-Hijrah. [In Arabic].
40. Shaykh Tusi. (1387 AP). *al-Mabsut fi fiqh al-Imamiyya* (3rd ed.). Tehran: al-Mortazavi Library for the Revival of al-Jaafari Works. [In Arabic].
41. Shaykh Tusi. (1407 AH a). *al-Khilaf*. Qom: Islamic Publishing Foundation. [In Arabic].
42. Shaykh Tusi. (1407 AH b). *Tahdhib al-Ahkam* (4th ed.). Tehran: Islamic Library. [In Arabic].
43. Snell, R. (1395 AP). *Clinical Anatomy* (R. Shirazi and I. Esfandiari, Trans.). Tehran: Andisheh Rafi Publications. [In Persian].



44. Sobhani, J. (1392 AP). *Ahkam al-Diyat fi al-Sharia' al-Islamiyya al-Gharra*.
Qom: Imam al-Sadiq (PBUH) Foundation.
45. Tabrizi, J. (1428 AH). *Tanqih Mabani al-Ahkam, Kitab al-Diyat* (1st ed.).
Qom: Dar al-Sadiqah al-Shahida, (PBUH). [In Arabic].
46. Tarihi, F. (1416 AH). *Majma-ul-Bahrain* (3rd ed.) Tehran: Mortazavi
Bookstore. [In Arabic].
47. Tusi, H. (1408 AH). *al-Wasila* (1st ed.). Qom: al-Khayyam. [In Arabic].
48. Zargariyan, T & Watani, A. (1396 AP). Explaining the nature of penetrating
injury in Imami criminal jurisprudence. *Medical Jurisprudence*, 9(31-30), pp.
33-45. [In Persian].

